

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با حمایت معنوی مرکز علمی کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی
شماره مجوز: ۹۸/۲۳۵۱-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۸ شماره مقاله: ۸۸۹۵/۰۰۵۶ رده بندی کنگره: غ ۱۰۱/۴۷۲

عوامل موثر بر فضای کسب و کار و نظام های حقوقی حاکم بر آن

احسان نیر پور

چکیده

در سال های اخیر، بررسی رابطه میان عملکرد نظام حقوقی و قضایی و وضعیت اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. تأثیرات نظام حقوقی و قضایی بر وضعیت اقتصادی از جنبه های مختلف قابل تأمل است. امنیت اقتصادی، کاهش هزینه مبادله و احترام به حقوق مالکیت از جمله مواردی هستند که نظام حقوقی و قضایی با عملکرد مناسب خود می تواند بر آنها مؤثر واقع شود و بهبود فضای کسب و کار و توسعه اقتصادی را به همراه آورد. پژوهش حاضر نشان می دهد عامل اثرگذار از طریق نظام حقوقی و قضایی و سپس معیارهای «اندازه دولت»، «باز بودن اقتصاد» و «فناوری اطلاعات» به عنوان عوامل تأثیرگذار بر فضای کسب و کار، رابطه هم جهت با مبانی نظری و اثرگذاری مثبت بر فضای کسب و کار دارند.

واژگان کلیدی: فضای کسب و کار، نظام حقوقی و قضایی، کشورهای اسلامی

بخش اول: کلیات

چنانچه فضای کسب و کار ۱ متشکل از عواملی در نظر گرفته شود که در مدیریت بنگاه‌ها مؤثرند، اما خارج از کنترل بنگاه‌ها قرار دارند، «قوانین و مقررات» در جایگاه مهم‌ترین عوامل در فضای کسب و کار قابل ارزیابی هستند. در حقیقت، کسب و کارها برای فعالیت و ادامه حیات، نیازمند پیش‌نیازها و ضرورت‌های مختلفی هستند. یکی از مهم‌ترین این الزامات، بستر حقوقی و قضایی مناسب است که این مهم در قالب حاکمیت قانون^۲ و به تبع آن «تضمین امنیت در حقوق مالکیت خصوصی^۳»، قابل تجلی است. برقراری حاکمیت قانون، پیامدهای اقتصادی قابل توجهی را در پی دارد. یکی از مزایای استقرار حاکمیت قانون در محیط اقتصادی، قابلیت پیش‌بینی شرایط توسط شهروندان و فعالان اقتصادی و برنامه‌ریزی براساس پیش‌بینی‌های معقول است. در واقع، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای التزام به حاکمیت قانون، امکان پیش‌بینی و معقول بودن هزینه‌های مبادله برای شهروندان، به‌ویژه فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران است. از دیگر پیامدهای مهم منتج از برقراری حاکمیت قانون، فراهم شدن زمینه برای رقابت برابر اقتصادی است. پیامدهای اقتصادی حضور قانون و حاکمیت آن (از مجرای حقوق مالکیت)، در سرمایه‌گذاری^۴ و کارآفرینی^۵ نیز قابل ارزیابی است. نظام قانونی مالکیت، از طریق کاهش هزینه معاملات^۶ و تسهیل گسترش اعتبارات، نقش مهمی در فرآیند توسعه اقتصادی بازی می‌کند. بنابراین، میزان تضمین و حمایت از حقوق مالکیت در برابر تعدی دولت و دیگر افراد، مؤلفه‌ای به‌شدت تأثیرگذار در کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی است (ستایش، ۱۳۹۳). از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد نقش نظام حقوقی و قضایی^۷ را که در قالب حاکمیت قانون تجلی یافته، در بهبود فضای حاکم بر کسب و کارهای کشورهای منتخب اسلامی بررسی نماید. بهبود فضای کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد، مکمل راهبرد خصوصی‌سازی است و برخی نیز حتی بر این باورند که رفع موانع بخش خصوصی

یا همان بهبود فضای کسب و کار باید جایگزین خصوصی سازی شود. منظور از فضای کسب و کار، عوامل مؤثر بر عملکرد واحدهای اقتصادی مانند کیفیت دستگاه‌های حکومتی، ثبات قوانین و مقررات، کیفیت زیرساختها و ... است که تغییر دادن آنها فراتر از اختیارات و قدرت مدیران بنگاه‌های اقتصادی است (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷). برای ارزیابی فضای کسب و کار تاکنون شاخص‌های گوناگونی توسط سازمان‌های مختلف ارائه شده است. در این میان، شاخص‌های بانک جهانی^۳ برای ارزیابی فضای کسب و کار براساس ویژگی‌ها و مختصات شکل گرفته است که در نوع خود رویکرد جدیدی به شمار می‌رود و به دلیل پوشش دادن انتظارات فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران اقتصاد کلان کشورها مورد توجه بیشتری قرار گرفته و تقریباً توسط آن‌ها پذیرفته شده است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۲). مبنای اندازه‌گیری و مقایسه فضای کسب و کار هر کشور با سایر کشورها، سهولت اجرای شاخص‌های مطرح شده است. رتبه ۴ هر کشور بر حسب زمان، هزینه و مراحل انجام هر یک از شاخص‌های مطرح شده، مشخص می‌شود. هر چه سرعت انجام یک فعالیت بیشتر و تعداد مراحل اداری و هزینه‌های آن کمتر باشد، فضای کسب و کار آن کشور مناسب‌تر و رتبه آن در مقایسه با سایر کشورها بهتر است (بختیاری و شایسته، ۱۳۹۱). بهبود فضای کسب و کار موضوعی نیست که بتوان تنها به یک سازمان و یا وزارتخانه واگذار کرد بلکه همه قوای حاکم با آن سر و کار دارند و باید همه دستگاه‌ها در مسیر بهبود شاخص‌های فضای کسب و کار همکاری داشته باشند.

بخش دوم: عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار

کسب و کارها محور ثقل تولید و تجارت هستند. با توجه به فرآیند جهانی سازی و تأثیر عوامل بین‌المللی و ملی در فعالیت کسب و کارها، شناسایی محیط کسب و کارها و عوامل کلیدی مؤثر بر آنها حائز اهمیت است. محیط کسب و کار مجموعه عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های کسب و کار را پوشش می‌دهد. محیط کسب و کار در مقایسه با محیط‌های فیزیکی، بسیار پیچیده است.

محیط کسب و کار یک واقعیت عینی است زیرا قابل تعریف و اندازه گیری است. از سوی دیگر، محیط کسب و کار یک واقعیت ذهنی است، چون وضعیت و مشخصات محیط توسط افراد به گونه‌ای متفاوت تجسم می‌شود و این تجسم و ابعاد آن براساس میزان دانش و آگاهی افراد، از فردی به فرد دیگر متفاوت است و در نهایت، وضعیتی ایجاد می‌شود که در آن تفکیک بین سازمان و محیط به طور دقیق امکان پذیر نیست. مسائلی نظیر توسعه رقابت، کاهش مقررات، بین‌المللی شدن کسب و کارها و تغییرات پرشتاب فناوری، بخشی از ابعاد پیچیده محیط کسب و کار را نشان می‌دهد. افزون بر آن، نااطمینانی، پویایی و ظرفیت، نقش حائز اهمیتی در شکل‌گیری محیط دارند (مرادی، ۱۳۹۰). به‌طور کلی می‌توان عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار را در قالب روش استیپ بیان نمود. ایده اصلی روش استیپ توسط «مؤسسه تحقیقاتی جانسون» در سال ۱۹۶۰ شکل گرفت و توسعه داده شد و در سال ۱۹۷۱ انتشار داده شد. در اوایل دهه‌ی ۷۰، پیترز شوارتز روش استیپ را برای تحقیقات خودش زمانی که با کمپانی‌های بزرگ همکاری می‌کرد به‌کار بست. با عنایت به مدل مذکور، فضای کسب و کار تابعی از سه عامل اساسی شامل: محیط نهادی، محیط فناوری و محیط اقتصادی است. به نظر می‌رسد برای بررسی اثر نظام‌های حقوقی و قضایی بر فضای کسب و کار می‌توان از این مدل بهره جست. چرا که یکی از مهم‌ترین نهادها، نظام حقوقی و قضایی است. بدیهی است برای کمی کردن این مدل، می‌بایست در هر یک از موارد، شاخص‌های مناسب طراحی و مدل نهایی برآورد شود که در فصول بعد به این موضوعات پرداخته خواهد شد.

بخش سوم: عوامل نهادی و فضای کسب و کار

عوامل نهادی نظیر قوانین اقتصادی، سیاست‌های دولت، نظام‌های حقوقی و غیره شکل‌دهنده محیط‌های اقتصادی برای تولید و تجارت هستند، اگر ساختار یک اقتصاد، سرمایه‌گذاری و تولید را تشویق کند، موجبات توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم می‌آورد. اگر کارآفرینان نتوانند

نسبت به دریافت بازده سرمایه گذاری خود مطمئن باشند، سرمایه گذاری نخواهند کرد. این امر برای سرمایه گذاری در سرمایه های فیزیکی، مهارت یا فناوری صادق است. عواملی نظیر سلب مالکیت، فساد اقتصادی و اداری، انحصار، ناامنی و بی ثباتی، انگیزه برای سرمایه گذاری و تولید را کاهش داده و موجب افت بهره وری عوامل تولید می شود (آذرمند، ۱۳۸۵). دولت (حکومت) نیز از جهات، ابعاد و مسیرهای مختلف بر فعالیت های اقتصادی اثرگذار است؛ به نحوی که سیاست های کلان اقتصادی و سیاسی دولت می تواند به شکل گیری یک نظام اقتصادی سالم، شکوفا، شفاف و توانمند منجر شده و یا به گسترش اقتصاد زیرزمینی و فساد و در نتیجه یک اقتصاد ضعیف و ناکارآمد بیانجامد. دولت ها نقش مهمی را در حمایت از حقوق مالکیت، فراهم کردن زیرساخت ها، عملکرد بازارهای پولی، مالی و نیروی انسانی، نظارت بر فعالیت های اقتصادی و کنترل فساد دارند. کمک های بنگاه ها به اقتصاد نیز تحت تأثیر محیط آزاد، رقابتی و شفاف سرمایه گذاری است که دولت در شکل گیری و بهبود آن نقش عمده ای دارد (گزارش توسعه جهانی، ۲۰۰۵).

بخش چهارم: عوامل فناوری و فضای کسب و کار

به طور کلی، فناوری یعنی استفاده از علوم در اهداف مختلف از جمله صنعت، کسب و کار، سیستم های دولتی و تلاش های عمومی انسان. فناوری فرایندی است که معنی اجتماعی آن تعریف و حل مشکلات است. کسب و کارهای جهانی امروز، پیشرفت های سریعی در بخش های فناوری اطلاعات کرده است، سرعت و دقت انتقال اطلاعات از مزایای فناوری اطلاعات است. اقتصاد، سیاست، بازار و رقابت در سراسر جهان نیازمند اطلاعاتی دقیق برای تصمیم گیری دقیق و به موقع است، امروزه مصرف کنندگان در سراسر جهان، از طریق رسانه های اجتماعی در مورد استانداردهای زندگی، سلیقه و ترجیحات خود آگاه تر شده اند. رشد فناوری اطلاعات، علت و اثر جهانی شدن است. انقلاب اطلاعات به افزایش بهره وری در سراسر جهان کمک کرده است.

علاوه بر این، استفاده از اینترنت موجب تجارت الکترونیکی در سراسر جهان شده است. شرکت‌ها در سراسر جهان به صورت الکترونیکی با مشتریان، توزیع کنندگان، تأمین کنندگان و شرکای اتحادی آنها در بسیاری از کشورها ارتباط برقرار می‌کند. بنابراین، شاید فناوری اطلاعات هنوز «مرز» مشخصی ندارد بلکه منوط به همان هنجارها، ترجیحات و مقررات به عنوان فعل و انفعالات برون مرزی «انسان» است (رضایی میرقائد و همکاران، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین کاربردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در حوزه اقتصاد تحقق می‌یابد. نحوه اثرگذاری فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حوزه اقتصاد می‌تواند از مجاری مختلفی ظاهر شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تسهیل و ارتقای فضای کسب و کار (به معنای عام) اشاره نمود (مرادحاصل و همکاران، ۱۳۸۷). عامل فناوری اطلاعات و ارتباطات عاملی است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم می‌تواند تمامی نماگرهای فضای کسب و کار را تحت تاثیر قرار دهد. به طوری که می‌توان از طریق تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک، بانکداری الکترونیک، سلامت و بهداشت الکترونیک، بیمه الکترونیک، آموزش الکترونیک و در نهایت به اشتراک‌گذاری منابع الکترونیک، فضای کسب و کار را بهبود بخشید (اکبری و همکاران، ۱۳۹۲).

بخش پنجم: عوامل اقتصادی و فضای کسب و کار

عوامل اقتصادی که بر فضای کسب و کار تأثیر گذارند، عبارتند از (مرادی، ۱۳۹۰):

۱. محورهای مطرح اصول حاکم بر نظام اقتصادی در حوزه‌های برنامه و بازار که مبتنی بر تعیین اولویت‌های تخصیص منابع و نحوه مالکیت و کنترل منابع اصلی است.
۲. تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت بر محیط کسب و کار شامل: سیاست پولی با ابزارهای خرید و فروش اوراق بهادار، نرخ ذخیره قانونی، نرخ تنزیل و نرخ سود؛

سیاست مالی با ابزارهای نرخ مالیات و هزینه‌های دولت؛ سیاست ارزی از طریق انتخاب نوع نظام ارزی و مدیریت بازار ارز؛ سیاست درآمدی از طریق کنترل سطح قیمت‌ها و تعیین قیمت سقف و قیمت کف و تعیین سطح دستمزد شاغلان؛ سیاست تجاری با ابزارهای نرخ تعرفه و انواع محدودیت غیرکمی و سیاست سرمایه‌گذاری خارجی از طریق مدیریت سرمایه‌های خارجی و انتقال دانش و فناوری.

۳. تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر نرخ و نوسانات تورم، نرخ سود (بهره)، نرخ بیکاری، نرخ ارز، ترازپرداخت‌ها و نوسانات تولید و دوره‌های تجاری.

بخش ششم: بررسی و تحلیل نظام‌های حقوقی و قضایی در فضای کسب و کار

قوانین و مقررات جاری هر کشور از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده محیط نهادی کسب و کار در هر کشور به شمار می‌روند. برخی از کشورها از پدیده تغییرات بیش از حد و غیرمنتظره سیاست‌ها و در نتیجه تغییرات پیاپی و غیر قابل پیش‌بینی قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها رنج می‌برند، حضور چنین پدیده‌های در یک کشور، مترادف با غیر قابل اعتماد بودن محیط کسب و کار در آن کشور است (حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۹). تضییع حقوق شهروندی توسط مقامات دولتی و خطر مصادره اموال که در محیط‌های کسب و کار ناامن وجود دارد غالباً به استناد آراء غیر مسئولانه صادره از سوی دستگاه قضایی اتفاق می‌افتد. بر این اساس می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم محیط نهادی کسب و کار را نحوه حراست از حقوق مالکیت در قبال تعرضات شهروندان دیگر و مقامات دولتی دانست (همان، ص ۵۵). حقوق مالکیت از طریق گسترش بازارها و روش‌های تضمین وام و کاهش نااطمینانی، افزایش پس‌انداز و گسترش امکان ورود انواع دارایی به بازارهای مالی و سرمایه‌ای، گسترش امکان استفاده از سرمایه‌های کوچک

و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، تأثیر گسترده‌ای بر تسهیل و تشدید رقابت‌پذیری دارد (رنانی، ۱۳۸۴؛ سامتی و همکاران، ۱۳۹۳).

برقراری حاکمیت قانون (به مفهوم نظام حقوقی و قضایی مستقل، کارآمد و قابل دسترس)، پیامدهای اقتصادی قابل توجهی را در پی دارد که آثار تحقق آن بی‌تردید در فضای کسب و کار جلوه‌گر خواهد شد. به بیانی دیگر، اگر فضای کسب و کار را متشکل از عواملی بدانیم که در مدیریت بنگاه‌ها مؤثرند، اما خارج از کنترل بنگاه‌ها قرار دارند، «قوانین و مقررات» در جایگاه مهم‌ترین عوامل در فضای کسب و کار قابل ارزیابی هستند. در حقیقت، کسب و کارها برای فعالیت و ادامه حیات، نیازمند پیش‌نیازها و ضرورت‌های مختلفی هستند و یکی از مهم‌ترین این الزامات، بستر قانونی - حقوقی مناسب است (ستایش، ۱۳۹۳). نظام حقوقی و قضایی از جنبه‌های مختلفی می‌تواند بر فضای کسب و کار تأثیرگذار باشد (یارمحمدیان، ۱۳۹۳):

۱. نظام قضایی نه تنها باید قواعد حقوقی را اجرا کند، بلکه باید قواعد حقوقی خوب را اجرا کند (بانک جهانی، ۱۹۹۷)، البته عکس آن نیز صحیح است به‌طوری که قواعد حقوقی خوب در صورت اجرا نشدن، بی‌فایده‌اند.

۲. یکی از مسائلی که برای کسب و کار اهمیت فراوان دارد فعالیت در چابویی قابل پیش‌بینی است. این جنبه یکی از مهم‌ترین ابعاد برای کارآفرینی است.

۳. قواعد حقوقی باید باثبات باشند (بانک جهانی، ۱۹۹۷). تغییر قواعد موجب نااطمینانی بیشتر در مورد آینده می‌شود. این امر مانع از سرمایه‌گذاری شده و رشد را کاهش می‌دهد.

۴. از آن‌جا که نظام قضایی یک زیرساخت نهادی است که توسط دولت عرضه می‌شود، انعکاس‌دهنده اقتدار دولت است (بانک جهانی، ۱۹۹۷). یک نظام قضایی ضعیف می‌تواند مرتبط با یک دولت ضعیف باشد و یک دولت ضعیف می‌تواند به عنوان دولتی ناتوان در اجرای قانون به نظر آید.

۵. یک نظام قضایی ضعیف ممکن است فساد را ترویج دهد که هزینه‌های مالی بیشتری (مانند هزینه‌های مبادله) بر کارآفرینان تحمیل می‌کند و منجر به کاهش سرعت کسب و کار می‌شود. به استقلال قضایی به عنوان یک عامل رشدافزا نگاه می‌شود (فلد و وویت ۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶) زیرا این استقلال، حمایت از حقوق مالکیت را توسط نظام قضایی تسهیل می‌کند. در واقع استقلال بیشتر، از آن‌جا که هیچ گروهی نمی‌تواند بر قاضی تحمیل فشار کند، منجر به نتایج منصفانه‌تر و قابل پیش‌بینی‌تری می‌شود.

بخش هفتم: نگاهی به مطالعات و تحقیقات مرتبط پیشین

طرح اساسی موضوع بهبود فضای کسب و کار به صورت امروزی پیرو نظریه هرماندو دوستو شکل گرفت که نظریات خود را در سال‌های ۱۹۸۶ و ۲۰۰۰ در دو کتاب «راه دیگر» ۱ و «راز سرمایه» ۲ ارائه نمود. وی معتقد است که بهبود فضای کسب و کار یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه‌های ایجاد توسعه حتی با تکیه بر سرمایه‌های کوچک است. کتاب راز سرمایه وی با تشریح وضعیت فقرا و راه‌های برون رفت از آن، بر این باور است. در صورتی که فقرا امکان دسترسی به نظام کارآمد مالکیت را داشته باشند می‌توانند ظرفیت بالقوه سرمایه را کد خود را در جهت تقویت استعداد کارآفرینی به کار گیرند. وی همچنین بیان می‌نماید وجود فضای نامساعد کسب و کار در کشورهای در حال توسعه، بخش خصوصی را به اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد غیر رسمی و غیر مولد سوق خواهد داد. مکتب نهادگرایی ۳ (۷۵-۱۹۳۷) از اولین مکاتبی است که از نگاه سازمانی و نهادی به بررسی محیط فعالیت اقتصادی یک بنگاه پرداخته است. آنان معتقد بودند که اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد، که تمامی اجزای آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد. در این مکتب نقش مؤسسات و نهادها در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرد. «نهاد» تنها یک مؤسسه برای انجام اهدافی نظیر تعلیم، هماهنگی، ارائه خدمات اقتصادی، یا یک اتحادیه نیست، بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است

که به عنوان جزء و بخش اساسی فرهنگ پذیرفته می شود. در این مکتب، رفتارهای فردی بیش از فردگرایی مطلق مورد توجه قرار می گیرد (تفضلی، ۱۳۸۵).

به طور کلی، نقش نهادها و قانون در فعالیت های اقتصادی، در چارچوب مکتب نهادگرایی مطرح شد و طرح جدیدی از رابطه حقوق و اقتصاد شکل گرفت. اولین جرقه های این ارتباط، با مطالعات کوز در سال ۱۹۳۷ زده شد. بعدها، ویلیامسون (۱۹۷۶) با بسط آراء کوز و ترکیب نظریات اقتصاد، حقوق و سازمان، اقتصاد هزینه مبادله را بنا نمود و هدفش ایجاد یک بنیان نظری منسجم برای استفاده از مفهوم هزینه مبادله و تبیین دلایل استفاده از سازوکارهای نهادی جایگزین بود (نصیری اقدم ۳، ۲۰۱۰). در تبیین ویلیامسون (۲۰۰۲) از سطوح مختلف یک تحلیل اقتصادی، چهار سطح مختلف (بنیان اجتماعی، محیط نهادی، نظارت یا ترتیبات نهادی و اقتصاد نئوکلاسیکی) تشریح می شوند. در سطح سوم یا سطح ترتیبات نهادی و نظارت، سازوکار نظارتی ناظر بر تصمیم گیری های بودجه ای در داخل حکومت (دولت) تحلیل می شود (طیب نیا و مردوخ ۴، ۲۰۰۶؛ به نقل از شاه آبادی و پوران، ۱۳۹۳). همان گونه که در قسمت های پیشین اشاره شد، طیف وسیعی از عوامل می توانند فضای کسب و کار را متأثر سازند که در این پژوهش به عوامل محیط نهادی، محیط اقتصادی و محیط فناوری تقسیم شدند و مطالعات متعددی به بررسی تأثیر عوامل فوق بر فضای کسب و کار پرداخته اند، ولی در کمتر مطالعه ای به نقش محیط نهادی با تأکید بر نظام حقوقی و قضایی؛ در بهبود فضای کسب و کار تأکید شده است که در ذیل به چند مورد از این مطالعات اشاره شده است:

بند اول: مطالعات انجام شده در خارج از کشور

از جمله مطالعات خارجی صورت گرفته در زمینه نقش نظام حقوقی و قضایی در بهبود فضای

کسب و کار، می توان موارد زیر را نام برد:

کیسونکو و همکاران (۱۹۹۹)؛ به نقل از شهنازی و دهقان شبانی، (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «موانع نهادی در تعریف داده‌های کسب و کار و متدولوژی گزارش جهانی بخش خصوصی» به بررسی مشکلات سرمایه‌گذاران در شرایط عدم اطمینان پرداختند. آنها برای بررسی این موضوع ۳۶۰۰ پرسشنامه در ۶۹ کشور بین کارآفرینان پخش کردند. در این پرسشنامه‌ها از درک سرمایه‌گذاران در مورد قابلیت پیش‌بینی قوانین و سیاست‌ها، اعتبار سیستم قضایی، فساد در بروکراسی یا امنیت حقوق مالکیت، موانع اصلی کسب و کار و کیفیت خدمات توزیع شده توسط دولت سؤال شده است.

پفرمن و همکاران (۲۰۰۰) به مطالعه «روند سرمایه‌گذاری خصوصی و موانع انجام کسب و کار در کشورهای در حال توسعه» پرداختند. در این مقاله ابتدا روند سرمایه‌گذاری ثابت در بخش خصوصی و عمومی، مورد بررسی قرار گرفته است. آن‌ها روند سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی ۴۷ کشور را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مقاله حاکی از آن است که به‌طور متوسط، سرمایه‌گذاری خصوصی از ۱۱/۲ درصد GDP در سال ۱۹۸۵ به ۱۴/۳ درصد در سال ۱۹۹۷ رسیده و سرمایه‌گذاری دولتی طی این دوره ۷/۲ درصد کاهش یافته است. در ادامه، مقاله به بررسی موانع انجام کسب و کار و ارتباط آن‌ها با سطح سرمایه‌گذاری خصوصی در ۴۷ کشور پرداخته که نتایج نشان می‌دهد، قواعد قانونی و قابلیت پیش‌بینی نظام‌های قضایی و اعتباراتی که در اختیار کسب و کار قرار می‌گیرد، عوامل مؤثر بر سطح سرمایه‌گذاری خصوصی هستند.

هنیز (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای با عنوان «محیط نهادی برای سرمایه‌گذاری زیربنایی»، بر توانایی ارائه یک محیط نهادی معتبر برای سرمایه‌گذاران تأکید ورزیده است. در اثر وی چنین آمده است: «طبق یافته‌های بسیاری از مطالعات، توانایی دولت در تعهد به عدم مداخله در حقوق مالکیت خصوصی برای دستیابی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مورد نیاز در جهت حصول به رشد

اقتصادی سریع در کشورها، سودمند است. بر همین اساس، این گونه سرمایه گذاری ها به طور خاص نسبت به محیط نهادی کشور حساس هستند».

جانسون و همکاران^۳ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «حقوق مالکیت و سرمایه گذاری» آثار نبود امنیت در حقوق مالکیت بر تصمیم به سرمایه گذاری مجدد کارآفرینانی که وارد بازار شده اند را مورد بررسی قرار داده اند. آنان درصدد یافتن پاسخی برای این پرسش برآمدند که «آیا حقوق مالکیت مطمئن، برای سرمایه گذاری کارآفرینان کافی است؟». نتایج پژوهش حاکی از آن است که کارآفرینان هرگاه احساس کرده اند که حقوق مالکیت، مطمئن و تضمین شده نیست، سود حاصل از فعالیت خود را کمتر به سرمایه گذاری اختصاص داده اند. به این صورت که در نمونه مورد بررسی، کارآفرینانی که دارای حداقل امنیت حقوق مالکیت بودند، نزدیک به ۴۰ درصد کمتر از کارآفرینانی که دارای حداکثر امنیت حقوق مالکیت بودند، سود خود را به سرمایه گذاری مجدد اختصاص دادند. کارآفرینان با حداقل امنیت حقوق مالکیت، ۳۲ درصد از سود خود را سرمایه گذاری کردند، در حالی که کارآفرینان با حداکثر امنیت حقوق مالکیت، ۵۶ درصد از سود خود را سرمایه گذاری کردند. همچنین، بر طبق یافته های پژوهش، در وضعیت نامطلوب نهادی، حقوق مالکیت مطمئن و تضمین شده شرط لازم و کافی برای ترغیب کارآفرینان به سرمایه گذاری است و دسترسی به منابع بانکی، زمانی عامل رشد است که حقوق مالکیت تضمین شده باشد.

رودریک و همکاران^۴ (۲۰۰۲) در مطالعه خود با عنوان «نقش نهادها: غلبه نهادها بر شرایط جغرافیایی و ادغام تجاری در توسعه اقتصادی» سهم سه مؤلفه «نهادها»، «عوامل جغرافیایی» و «تجارت جهانی» را در تعیین سطوح درآمدی در جهان مورد بررسی قرار داده اند. به بیانی دیگر، در این مطالعه اثر سه متغیر (یعنی نهادها، شرایط جغرافیایی و ادغام تجاری) به عنوان متغیرهای توضیح دهنده و اثرگذار بر سطح درآمد سرانه، مورد ارزیابی و برآورد قرار گرفته است. معیار

به کار گرفته شده برای سنجش کیفیت نهادی، یک شاخص ترکیبی است که در بردارنده مؤلفه‌های حمایت از حقوق مالکیت و حاکمیت قانون است. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که کیفیت نهادها و به‌ویژه دو مؤلفه حقوق مالکیت و حاکمیت قانون، در توجیه تفاوت سطوح درآمدی بین کشورها بر دو عامل دیگر (جغرافیا و ادغام در تجارت جهانی) غلبه دارد و از قابلیت توضیح‌دهندگی بالاتری در توجیه این اختلافات برخوردار است.

یانکوف^۲ (۲۰۰۳) در مقاله خود تحت عنوان «دادگاه‌ها» با همکاری که با مؤسسات حقوقی در ۱۰۹ کشور دنیا انجام داد برای توصیف و اندازه‌گیری رویه واقعی با استفاده از طرفین دعوی و دادگاه در نزاع بین مستأجر و موجر به جهت پرداخت نکردن اجاره مستأجر و جمع‌آوری چک‌های برگشتی پرداخت. محقق از این داده‌ها به ساختن یک شاخص ظاهرسازی رویه یا مراحل روی آورد و با استفاده از مدل داده‌های تابلویی به این نتیجه دست یافت که هر چه ظاهرسازی در یک سیستم حقوقی یا مدنی در کشورهای با نظام حقوقی رایج بیشتر باشد وابستگی بیشتری به افزایش رویه یا تعداد مراحل قضایی در روند بررسی وجود دارد و به دنبال آن ثبات و سازگاری کمتر، درستکاری کمتر و صداقت کمتری در تصمیمات قضات خواهد بود و فساد بیشتری را شاهد می‌باشند. این نتایج خود را به ظاهرسازی مشروع به مراحل قانونی پیوند می‌زند که منجر به عدم کارایی بیشتر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌شود.

کاسرو و وروداکیس^۱ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «رشد سرمایه‌گذاری خصوصی و هزینه کسب و کار در تونس: یک چشم انداز تطبیقی»، به بررسی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تونس و سایر کشورهای با رشد سریع، می‌پردازند. آن‌ها شواهد تجربی در مورد زیان شتاب سرمایه‌گذاری خصوصی در اواسط سال ۱۹۹۰ را مطرح کرده و به بررسی دلایل این موضوع در چارچوب محدودیت باز بودن تجاری و در نتیجه ریسک‌های تجاری، ضعف حکمرانان اقتصادی و چارچوب قانونی غیر شفاف و غیر قابل پیش‌بینی می‌پردازند. تحلیل‌های پژوهشگران

نشان می‌دهد که کیفیت چارچوب مقررات برای انجام کسب و کار بر شرایط سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار اثرگذار بوده است.

ساوت ۲ (۲۰۰۵) به بررسی «نقش نهادها در کارآفرینی و کاربردهای آن برای سیاست توسعه» پرداخته است. وی در این مطالعه به بررسی و تشریح وضعیت کارآفرینی در کشور رومانی به عنوان مثالی عینی پرداخته است. به اعتقاد وی، دشواری‌ها و معضلات تجربه شده توسط بسیاری از اقتصادهای در حال گذار اروپای شرقی می‌تواند به نارسایی‌های ساختار نهادی رسمی آنها مرتبط باشد و کشور رومانی یک مثال ویژه از این نقصان است. طبق بررسی مذکور، کارآفرینان رومانیایی نشان دادند که قوانین و مقررات‌گذاری در آن کشور، پرتعداد و اغلب در حال تغییر است، لذا اطلاع از الزامات قانونی در یک روز معین امری دشوار است. علاوه بر این، به واسطه عدم اعتماد به قانون، مسئولین دولتی نیز در تشخیص و یافتن مسیر خود در حل و فصل مسائل با مشکلاتی مواجه‌اند. وی بر این باور است که یکی از کارکردهای اصلی نهادهای رسمی، کاهش ناطمینانی در تعاملات، از طریق یک مسیر هدایتگر در تعاملات اجتماعی است. زمانی که این کارکرد هدایتگری، غیر اجرایی بوده یا با نقصان همراه باشد و در پی آن، انگیزه‌های کارآفرینی با اختلال مواجه شود، رشد اقتصادی به خاموشی می‌گراید. در یک اقتصاد موفق، قوانین رسمی، همتراز با هنجارهای غیر رسمی قرار می‌گیرند و فعالیت‌های کارآفرینی را از طریق تعریف، تضمین و اعمال حقوق مالکیت، تقویت می‌کنند. ساوت در توضیح پیوند نهادها و کارآفرینی ابراز می‌دارد که کارآفرینی، نمی‌تواند بدون قوانین، موجودیت داشته باشد. آنچه برای کارآفرینی حائز اهمیت است تنها کشف و بهره‌برداری از یک فرصت سودآور نیست، بلکه آن است که این فرآیند، در قالب مفاهیم قانونی‌ای حادث شود که این قوانین، به مسیر اقتصاد ساختار می‌بخشند. همچنین بیان می‌کند که نظام‌های حقوقی و قضایی ضعیف، احترام به حاکمیت قانون و پیشرفت در جهت توسعه پایدار را به زوال می‌کشانند.

ساجیکو و دروود ۱ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای مشترک به موضوع «حاکمیت قانون، حکمرانی خوب و توسعه پایدار» پرداخته‌اند. در مطالعه مذکور، «حاکمیت قانون» به این معنا به کار رفته است: «نظام‌های حقوقی و قضایی مستقل، کارآمد و قابل دسترس، توأم با دولتی که قوانین عادلانه و برابر را به گونه‌ای سازگار، منسجم و آینده‌نگرانه نسبت به تمامی مردمانش به کار می‌بندند». همچنین، حکمرانی خوب، شامل مؤلفه‌هایی نظیر پاسخگویی، مشارکت و شفافیت در نظر گرفته شده است. از دیدگاه محققین، حکمرانی خوب به خودی خود، نه مطلوب بودن عملکرد جامعه را تضمین می‌کند و نه ضمانتی برای توسعه پایدار است. اما با این وجود، فقدان آن امکان توسعه پایدار را محدود ساخته و در بدترین حالت، از آن ممانعت به عمل می‌آورد.

اسپوزیتو و همکاران ۳ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «اصلاح نظام قضایی در ایتالیا: کلیدی برای رشد» نشان دادند که عملکرد نظام قضایی ایتالیا در بسیاری از جنبه‌ها کمتر از میانگین اروپا می‌باشد و اینکه ناکارآمدی نظام قضایی ایتالیا به کاهش سرمایه‌گذاری، رشد آهسته و فضای کسب و کار نامساعد کمک کرده است. اصلاحات قضایی باید جزء لاینفک یک استراتژی برای افزایش رشد بالقوه و ایجاد اشتغال شود. مقامات ایتالیایی، اقداماتی برای حذف تنگناها و سرعت بخشیدن به روند قضایی اتخاذ نموده‌اند. در این رابطه می‌توان به بررسی هزینه‌های دادگاه، بهبود طرح میانجی‌گری اجباری جدید، تقویت مدیریت دادگاه و انجام یک بررسی جامع از سیستم درخواست تجدید نظر اشاره کرد.

بند دوم: مطالعات انجام شده در داخل کشور

اگرچه در ایران، مطالعات بسیاری به بررسی فضای کسب و کار به صورت کلی پرداخته‌اند اما در کمتر مطالعه‌ای، به صورت ویژه به جایگاه نظام حقوقی و قضایی در بهبود فضای کسب و

کار پرداخته شده است. از جمله این مطالعات به شرح زیر است:

حسین زاده بحرینی (۱۳۸۳) در مقاله خود تحت عنوان «عوامل مؤثر بر سرمایه گذاری در ایران»، درباره میزان امنیت در یک اقتصاد و ترکیب عوامل ناامن کننده فضای سرمایه گذاری مطالعه نموده و در این راستا، از دو رویکرد بهره جسته است. نخست، رویکرد عینی به مقوله امنیت است که در آن استحکام یا ضعف نهادهای امنیت ساز در کشور مورد توجه قرار می گیرند و دوم که متضمن رویکرد ذهنی به مقوله امنیت در یک کشور و عوامل امنیت زدا و میزان تأثیر هر یک از آن عوامل بر ناامنی فضای کسب و کار است، از متقاضیان واقعی امنیت یعنی سرمایه گذاران بالفعل یا بالقوه استعلام می شود. حال منطق رویکرد این مقاله این است که برای اقدام به سرمایه گذاری در یک کشور یا صنعت خاص، احساس امنیت از جانب افرادی که متقاضی سرمایه گذاری هستند، موضوعیت دارد و در این مقاله عوامل ایجاد کننده ناامنی در فضای سرمایه گذاری در ایران براساس تصویر ارائه شده توسط سازمان های بین المللی برآورد کننده ریسک (که به طور عمده به شیوه دوم متکی هستند) بررسی شده است.

نصیری اقدم و نادران (۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان «هزینه مبادله تأمین مالی بنگاه های تولید- ساخت»، ۴۰ بنگاه کوچک را در دوره زمانی یک سال مورد مطالعه قرار دادند. برای این منظور از ابزار پرسشنامه و مصاحبه حضوری با تولید کنندگان استفاده کردند. نتایج پژوهش نشان داد که یکی از موارد موجد هزینه مبادله برای بنگاه های مورد بررسی، عدم ضمانت قراردادهای عدم تحصیل چک های نکول شده از مسیر قانونی بود و به دلیل بی اعتمادی نسبت به نظام قضایی حدود ۷۰ درصد افراد، از طریق پیگیری شخصی و خارج از مسیر قانون، مطالبات خود را دنبال می کنند.

نصیری اقدم (۱۳۸۹) در مطالعه ای تجربی با عنوان «نقش نظام قضایی در بهبود محیط کسب و کار» یکی از عواملی را که دارای تأثیر فوق العاده زیادی بر عملکرد اقتصادی است را نظام قضایی می داند. هر فعال اقتصادی برای رسیدن به هدفش باید مبادلات متعددی را طراحی کند. به ازای

هر مبادله‌ای که باید انجام شود لاقلاً یک قرارداد باید منعقد شود و نسبت به حسن اجرای مفاد آن ضمانت‌های لازم به وجود آید. بر این اساس و با توجه به اینکه در تمام این مبادلات قراردادی یا لاقلاً در اکثر آنها، فعالان اقتصادی به نحوی از انحاء، با نظام اداری یا دادگاهی نظام قضایی سر و کار دارند، اهمیت نظام قضایی در فعالیتهای اقتصادی مشخص می‌شود. در این مقاله با تأکید بر سطح عملیاتی نشان داده شد که پیگیری یک دعوا از طریق نظام قضایی اولاً هزینه‌بر و مستلزم طی نمودن مراحل طولانی است. ثانیاً فرآیند به نتیجه رسیدن آن بسیار طولانی‌تر و مستلزم گذر زمان است. ثالثاً احتمال به نتیجه نرسیدن پرونده‌ها بالاست و به همین دلیل صاحبان کسب و کار از ورود به سازوکارهای قانونی اجتناب می‌کنند. رابعاً در صورت نتیجه‌بخش بودن دادرسی یک پرونده، فعالیتهای اقتصادی بنگاه به شدت مختل می‌شود؛ زیرا درصد قابل توجهی از سرمایه در گردش بنگاه با تأخیر به دستش می‌رسد، سرمایه در گردش که با آن بسیاری از مبادلات لازم برای فعالیت بنگاه تعهد می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، در نظرسنجی از صاحبان صنایع و کسب و کارها در مورد عملکرد دادسراها و تأثیر آن بر کسب و کارشان، عملکرد دادسراها را مورد سنجش قرار می‌دهد. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که صاحبان کسب و کار، ارزیابی نامطلوبی از عملکرد دادسراها دارند.

براتی (۱۳۹۲) در مقاله خود تحت عنوان «نقش و جایگاه قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار» به بررسی نقش قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار از جنبه‌های حقوق مالکیت، ضمانت اجرای قراردادها، حمایت قضایی و کارآمدی نظارتی، کارآمدی سازمانی قوه قضائیه و استقلال قضایی پرداخت. وی پیشنهاد داد که ثبت‌نام خارج از دادگاه برای ورود به کسب و کار و تبدیل این کار به یک فرایند اجرایی، موجب کاهش چشمگیر زمان شده و کار پرونده‌های تجاری معوقه را آسان می‌کند. همچنین بر لزوم بهره‌مندی دستگاه‌های نظارتی از شیوه‌های نوین نظارتی،

یعنی نظارت دیجیتال و الکترونیکی یا مجازی در راستای سرمایه‌گذاری‌ها و تجارت که الکترونیک شده‌اند، تأکید کرد.

شاه آبادی و پوران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش کارایی سیستم قضایی در سهولت کسب و کار» به شیوه‌های توصیفی-تحلیلی به ارتباط میان شاخص‌های اقتصادی سنجش کارایی نظام قضایی و رتبه ایران در شاخص فضای کسب و کار در بین کشورهای جهان طی سال‌های (۲۰۱۳-۲۰۰۵) می‌پردازند. همچنین با توجه به عدم وجود آمارهای کمی در این حوزه، تجربه کشورهای موفق در بهبود شاخص‌های سنجش کارایی قضایی را ارائه می‌دهند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که وضعیت کسب و کار اقتصادی ایران علی‌رغم نوسانی بودن، بدتر شده است و ضعف سیستم قضائی ایران در مدتزمان رسیدگی به دعاوی قضائی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شاخص فضای کسب و کار، در بین سایر کشورهای مورد مطالعه و روند تغییرات این شاخص اساسی در این کشورها، رتبه (رتبه در بین کشورهای مورد مطالعه) شاخص فضای کسب و کار کشورهای اسلامی منتخب در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۹، مورد بررسی و تحلیل واقع شده و متوسط این شاخص طی سال‌های مورد مطالعه برای این کشورها محاسبه شده تا جایگاه هر یک از آن‌ها در بین سایر کشورها مشخص شود. در این میان، کشورهای مالزی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، به ترتیب به عنوان کشورهای اول، دوم و سوم از منظر شاخص فضای کسب و کار و کشورهای چاد، گینه-بیسائو و نیجر، به ترتیب نامساعدترین کشورها از منظر شاخص فضای کسب و کار در بین کشورهای منتخب، شناخته شدند. در میان معیارهای شاخص فضای کسب و کار، «سهولت اجرای قراردادها» کاملاً مرتبط با عملکرد نظام قضایی است. در بین کشورهای مورد مطالعه، مشخص شد که ایران جایگاه پنجم را از نظر این معیار،

پس از کشورهای مالزی، آذربایجان، قزاقستان و ترکیه در اختیار داشته و فاصله مناسبی را با میانگین کشورها حفظ کرده است.

در ادامه، پژوهش حاضر به منظور برآورد الگوهای سه گانه مورد نظر، پس از تشخیص قابلیت برآورد الگو به صورت داده های تابلویی، به برآورد ضرایب متغیرهای پژوهش با استفاده از روش رگرسیونی داده های تابلویی پرداخته که با انجام آزمون هاسمن، مدل اثرات ثابت در هر سه الگو تأیید شده و با انجام آزمون های نقض فروض کلاسیک، به برآوردهای کارا و بدون تورش با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته امکان پذیر، دست یافته است. نتایج حاصل از برآورد، در هر سه الگوی مورد استفاده در پژوهش، نشان از معنی داری و همسو بودن با مبانی نظری و مطالعات پیشین، در تمامی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش داشته است.

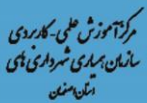
به منظور دستیابی به الگوهای متجانس تر (علاوه بر برآورد الگو برای کشورهای اسلامی منتخب)، پژوهش حاضر، این کشورها را براساس طبقه بندی بانک جهانی به دو گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا (شامل کشورهای دارای درآمد سرانه بالا و متوسط به بالا) و درآمد سرانه پایین (شامل کشورهای دارای درآمد سرانه متوسط به پایین و پایین)، تقسیم می کند و برای هر گروه درآمدی، الگوی پژوهش به صورت جداگانه برآورد می گردد. در مورد کشورهای با درآمد بالا پس از تأیید قابلیت برآورد الگو به صورت داده های تابلویی با استفاده از آزمون F لیمر، برای برآورد الگو، مدل اثرات تصادفی با استفاده از آزمون هاسمن تأیید شده که نشان دهنده این است که تفاوت در کشورهای با درآمد بالا ناشی از اجزای پسماند است. آزمون واریانس ناهمسانی مورد استفاده در این حالت، آزمون نسبت درستیابی بوده که نتایج این آزمون، نشان دهنده وجود ناهمسانی واریانس در بین مقاطع است. به دلیل سری زمانی کوتاه، همبستگی سریالی در الگوی پژوهش وجود نداشته ولی نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران، نشان از همبستگی در میان مقاطع دارد. بنابراین، الگوی پژوهش در این حالت، با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته

امکان‌پذیر، قابل برآورد بوده که با توجه به نتایج برآورد به این روش، تمامی متغیرهای مورد استفاده دارای علامتی همسو با مبانی نظری بوده و در سطح پنج درصد، معنی‌دار هستند. نتایج حاصل از برآورد در کشورهای با درآمد سرانه پایین، به برآوردهای معنی‌دار و قابل اطمینان منتهی نشده که از گزارش نتایج آنها در پژوهش حاضر پرهیز شده است.

۱. ابراهیمی، محسن، میدری، احمد و حاجی، مجید. (۱۳۹۲). تأثیر فرایند حل و فصل دعاوی قضایی بر رشد اقتصادی کشورهای گروه D ۸، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱(۶۵): ۳۳-۶۰.
۲. اختیاری، سارا، آقانسیری، مریم و حسنی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی محیط کسب و کار کشور با استفاده از گزارش بانک جهانی سال ۲۰۱۴ میلادی، گزارشات دریافتی از استان‌ها و مؤلفه‌های ۲۱ گانه ملی، دفتر پایش و بهبود محیز کسب و کار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳. آذرمند، حمید. (۱۳۸۵). نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی، فصلنامه روند، شماره ۵۰ و ۵۱: ۱۷۰-۱۱۹.
۴. اشرفی، یکتا و فهیمی‌فر، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های بهبود محیط کسب و کار با تأکید بر جایگاه ایران، مجله اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۱(۱۱): ۷-۴۲.
۵. اکبری، نعمت‌الله، مؤذن جمشیدی، هما و اکبری، محمدحسن. (۱۳۹۲). فراتحلیل بهبود محیط کسب و کار در ایران با تأکید بر سرمایه‌گذاری، اولین همایش ملی توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب و کار، مشهد، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی.
۶. مرادی، حسین و چشمی، اکبر. (۱۳۸۵). اندازه دولت در اقتصاد ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی

۷. علیوند صادق و شایسته، افسانه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر بهبود فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با تأکید بر ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، ۶(۱۹): ۲۰۴-۱۷۵.
۸. تاری سیدرضا. (۱۳۹۲). نقش و جایگاه قوه قضائیه در بهبود محیط کسب و کار، اولین همایش توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب و کار، مشهد، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی.
۹. لطفی فریدون. (۱۳۸۵). تاریخ عقاید اقتصادی: از افلاطون تا دوره معاصر (چاپ ششم). تهران: نشر نی.
۱۰. نادری بحرینی، محمد و ملک‌الساداتی، سعید. (۱۳۸۹). موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران، مجله پژوهش‌نامه بازرگانی، ۵۹(۱۵): ۵۶-۲۵.
۱۱. نادری بحرینی، محمدحسین. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری در ایران، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره دوم.
۱۲. رضایی پروین، افشاری، زهرا. (۱۳۹۰). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تأکید بر شاخص‌های حکمرانی در دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۰۷، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱(۱۲): ۱۷۰-۱۴۱.
۱۳. اسدی رضا (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر اقتصاد حقوق مالکیت، دفتر مطالعات محیط کسب و کار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی: ۳۲۰، شماره مسلسل: ۱۲۱۴۲.

۱۴. جعفری براتی، جواد. (۱۳۹۱). روند فساد اداری و بار مقررات در کشورهای شرق اروپا و آسیای مرکزی (براساس نتایج نظرسنجی بین‌المللی عملکرد بنگاه‌ها و محیط کسب و کار، دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی: ۳۲۰، شماره مسلسل: ۱۲۷۶۶).
۱۵. دوستو، هرناندو. (۱۳۸۵). راز سرمایه: چرا سرمایه داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟ ترجمه فریدون تفضلی، تهران: نشر نی.
۱۶. رحیمی بروجردی، علیرضا. (۱۳۸۵). مطالعه ای نظری و کاربردی پیرامون درجه باز بودن تجاری در کشورهای در حال توسعه، پژوهشنامه اقتصادی، ۲۳(۶): ۱۸۲-۱۶۳.
۱۷. رضایی میرقائد، محسن، عباسی نیارکی، رؤیا و کشاورزترک، مصطفی. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل مؤثر در بهبود محیط کسب و کارهای بین‌المللی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار (جلد دوم)، معاونت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول.
۱۸. رضایی، فرزین و حقیق، هادی. (۱۳۹۱). شاخص تمرکز بازار صنعت و بازده سهام شرکت‌های تولیدی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی، ۲۵(۹): ۱۵۹-۱۳۳.



مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همیاری شهرداری اصفهان
تفصیل



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند
با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همیاری شهرداری های استان اصفهان

همایش ملی

علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by

CIVILICA

We Respect the Science

Sponsored And Indexed

TPBIN.com

همایش های ایران

Symposia

CONF PAPER

کتابخانه علمی

OLOMENSANI

موسسه علمی

OLOMENSANI



۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸

اصفهان سالن اجلاس دانشگاه



دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

محور های همایش:

پدپوش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش،
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیات داوران،
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری،
دکتر سعید خردمندی

جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار
کافیست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید
phdsara@yahoo.com
ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره
09100636002
همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم

واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

www.olomensani.IR

۱۳۹۸

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸